



Semnan University

Journal of Applied Arts

Journal homepage: <http://aaj.semnan.ac.ir>

ISSN: 2821-0670



Scientific– Research Article

Analysis of Qajar Dezful Sacred and Apotropaic Jewelry Based on the Theory of Objects and Symbolic Consumption

Mansour KolahKaj¹ (Corresponding Author) , Elham Rafatpanah²

¹ Associate Professor, Department of Graphic Design, Faculty of Art, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

² Master's Degree Student, Department of Art Research, Faculty of Art, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

(Received: 30.07.2024, Revised: 04.05.2025, Accepted: 05.05.2025)

<https://doi.org/10.22075/aaj.2025.34908.1282>

Abstract

In addition to being functional, some people believe that some people believe in “protective” or “disaster” jewelry against evil, which can become decorative over time. According to some beliefs, these objects sometimes have a special power and have functions such as talismans and magic. The Dezful region is also one of the regions where, in the past hundred years, symbolic and ritual motifs with an object-based or obscure function have been seen in several examples of its jewelry. The aim of this study is to analyze the Qajar Dezful sacred and obscure jewelry based on the theory of objects and symbolic consumption. The article aims to fill the knowledge gap in the field of popular culture and understanding the culture of different regions of Iran, especially Khuzestan and the city of Dezful in particular. And you can also use the factors that can reduce it and protect it, record and record them and create a platform for future research from this article. Accordingly, this research answers the following question. How does traditional Dezful jewelry function and what is the perceived power of these objects according to the theory of objects and material consumption? The results of this research are presented with data collected from field and documentary sources in a descriptive-analytical method. Research Research These studies of Dezful jewelry have different functions; but the samples made in Dezful have been evaluated because they have a sacred and magical object and generally, in addition to the decorative function, they have protective functional types along with psychological peace for use. An example of a sacred object; necklaces containing prayers and verses and a magical example with its own magic, armbands and milpa. Also, the designs of some of these ornaments are similar to those of the 7th century books of mysticism, and it seems that these designs continue the tradition of mysticism of previous Iranian centuries. According to the theory of objects and symbolic consumption, traditional ornaments in this study, beyond aesthetic elements, have characteristics of belief, function, and meaning, and play an important role in daily life, worldview, and social relations of individuals, and are established in layers of popular culture. The continuity of these functions is a reflection of the human need for meaning, protection, identity, and power against the unknown, which, despite the vastness of human knowledge, remains ambiguous, mysterious, and complex.

Keywords: Dezful Qajar Jewelry, Object Belief, Folk Belief, Balagardan, Sacred.

1- Email: m.kolahkaj@scu.ac.ir

2- Email: er3456823@gmail.com

How to cite: KolahKaj, M. and Rafatpanah, E. (2026). Analysis of Qajar Dezful Sacred and Apotropaic Jewelry Based on the Theory of Objects and Symbolic Consumption, *Journal of Applied Arts*, 6 (1), 109-127. Doi: 10.22075/aaj.2025.34908.1282

تحلیل زیورآلات بلاگردان و مقدس قاجاری دزفول بر اساس

نظریه اشیاء و مصرف نمادین

منصور کلاه‌کج (نویسنده مسئول)^۱

الهام رفعت‌پناه^۲

^۱ دانشیار، گروه گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵)

<https://doi.org/10.22075/aaaj.2025.34908.1282>

چکیده

به باور برخی از مردم، زیورآلات علاوه بر وجه تزئینی کارکرد «شیء‌باورانه» یا «بلاگردان» و در مواردی، دارای نیروی خاص بوده و کارکردی چون طلسم و جادو داشته‌اند. منطقه دزفول نیز از جمله مناطقی بوده که در یک‌صد سال اخیر در چند نمونه از زیورآلات آن، نقوش نمادین و آیینی با کارکردی شیء‌باورانه یا بلاگردان دیده شده‌است. هدف این مطالعه تحلیل زیورآلات بلاگردان و مقدس قاجاری دزفول بر اساس نظریه اشیاء و مصرف نمادین است. تکمیل شکاف دانشی در حوزه فرهنگ عامه و شناخت فرهنگ مناطق مختلف ایران به‌ویژه خوزستان و به‌طور خاص شهر دزفول و همچنین آگاهی از عناصر بلاگردان و محافظت‌کننده و ثبت و ضبط جزئیات آن‌ها و بسترسازی برای پژوهش‌های آینده بخشی دیگر از اهداف این مقاله است. بر همین اساس در این پژوهش به پرسش پیش‌رو پاسخ داده می‌شود. زیورآلات سنتی دزفول چگونه کارکردی دارد و نیروی متصوره از این اشیاء با توجه به نظریه اشیاء و مصرف نمادین، چیست؟ نتایج این پژوهش با داده‌های گردآوری شده از منابع میدانی و اسنادی به روش توصیفی-تحلیلی ارائه شده‌است. بر اساس یافته‌های این پژوهش زیورآلات دزفول، کارکردی‌های مختلفی داشته‌است؛ اما نمونه‌های ساخته شده در دزفول عمدتاً کارکردی چون شیء مقدس و سحرآمیز داشته و عموماً علاوه بر کارکرد تزئینی، گونه‌ای کارکرد حفاظتی همراه با آرامش بخشی داشته‌است. نمونه شیء مقدس؛ گردن‌بندهای با محتوی دعا و آیات و نمونه سحرآمیز و دارای خاصیت جادویی آن، بازوبندها و میل‌پا بوده‌است. همچنین نقوش برخی از این زیورآلات مشابه نقوش کتب علوم غریبه قرن هفتم است و به نظر می‌رسد این نقوش ادامه دهنده سنت علوم غریبه سده‌های پیشین ایرانی است. با توجه به نظریه اشیاء و مصرف نمادین، زیورآلات سنتی در این مطالعه، فراتر از عناصر زیبایی‌شناسانه، دارای ابعاد پیچیده‌ای از باور، کارکرد و معنا بوده‌اند و نقش مهمی در زندگی روزمره، جهان‌بینی و روابط اجتماعی افراد دارند و همچنان در لایه‌هایی از فرهنگ عامه پابرجا هستند. تداوم این کارکردها، بازتابی از نیاز انسان به معنا، حفاظت، هویت و قدرت در برابر ناشناخته‌هایی است که علی‌رغم بیکرانگی دانش بشری، همچنان مبهم، مرموز و پیچیده‌اند.

واژه‌های کلیدی: زیورآلات قاجاری دزفول، شیء‌باوری، باور عامیانه، بلاگردان، مقدس.

1- Email: m.kolahkaj@scu.ac.ir

2- Email: er3456823@gmail.com

شیوه ارجاع به این مقاله: کلاه‌کج، منصور و رفعت‌پناه، الهام. (۱۴۰۵). تحلیل زیورآلات بلاگردان و مقدس قاجاری دزفول بر اساس نظریه اشیاء و مصرف نمادین، نشریه هنرهای کاربردی، ۶(۱)، ۱۲۷-۱۰۹.

Doi: 10.22075/aaaj.2025.34908.1282

زیورآلات و اشیاء محافظت کننده، که با باور برخی مردم نقش نگهبان و بلاگردان را بر عهده دارند، بخشی از هنر دیرینه و میراث فرهنگ غنی سرزمین ایران را تشکیل می‌دهند. این آثار، گاه کارکردهایی همچون زینت، طلسم و شیء مقدس داشته و بر روی برخی از آن‌ها، بنا بر خواست و سلیقه‌ی سفارش‌دهنده یا سازنده، نقش و نگاری، نقش بسته است که نماد و بیانگر رازهای درونی و رموز نهانی آن‌ها است. در بسیاری موارد، این نقوش، ترجمان تجربیات زیسته‌ی سازنده یا باورهای عمیق و اعتقادات فردی و جمعی، با تلفیقی از عناصر گیاهی، جانوری و هندسی، تجلی یافته‌است. این نقوش‌ها که برآمده از باورهای عامیانه، باورهای دینی و آیینی، در قالب نمادها و تصویرهای مقدسی، جلوه‌گر شده‌اند، در کنار وظیفه‌ی نمادین و حفاظتی، این آثار هنری، با تلفیق ذوق و خلاقیت هنرمند، آمیخته با باورهای دینی و فرهنگی، به‌گونه‌ای آیین‌وار نمایانگر ذوق و معنویت جامعه بوده‌اند.

در دوره‌ی قاجار، توجه به تعویذها و زیورآلات طلسمی، وجهی مهم و تأثیرگذار در زندگی آنان داشت، و استفاده‌ی عامه مردم از این اشیاء، گستردگی فراوان داشت. گاهی این اشیاء، در قالب تابوهای اجتماعی قرار می‌گرفتند و گاهی به‌عنوان رمزی خوش‌یمن و نماد توتّم، در کارهای مذهبی و فرهنگی به‌کار می‌رفتند. کارکرد حفاظتی و معنوی این زیورآلات، تصویر سنت دیرینه‌ی مردمان این سرزمین در نگهداری و حفاظت از خویش تلقی می‌گردید. این پژوهش، در راستای شناخت و بررسی نقش و کاربرد زیورآلات منطقه‌ی دزفول، بنا دارد نگاهی ژرف و موشکافانه به کارکرد شیء‌باورانه و نی نمادین این زیورها در فرهنگ عامه و فرهنگ کنونی این سرزمین انداخته و اشیاء و آثار مرتبط با باورهای فراطبیعی و قداست‌آمیز را معرفی و تحلیل کند. سؤال محوری پژوهش آن است که زیورآلات سنتی دزفول چگونه کارکردی داشته و نیروی متصوره از این اشیاء با توجه به نظریه اشیاء و مصرف نمادین بوردیار چیست؟

یعقوب‌زاده و خزائی در مقاله‌ای با عنوان «نقش‌مایه‌های طلسم تعویذ و حرز» (۱۳۹۸)، مطالعه موردی: دست‌بافته‌های عشایر لر بختیاری، این یافته را مطرح کرده‌اند که نقوش نمادین و سرشار از رمز و راز جهان معنوی در نقوش دست‌یافته‌های عشایر بختیاری تجلی یافته‌است. محمودی و دیگران در مقاله دیگری با عنوان «بازوبندهایی از جنس حرز و آز (پیوست‌های صوری و فرهنگی بازوبندهای دوره قاجار)» (۱۳۹۸)، در دو بخش اصلی جایگاه بازوبند در فرهنگ ایرانی-اسلامی و پیوست‌های صوری و فرهنگی بازوبندها (روایت‌ها، گدھا و رمز نگاره‌ها) به این مسئله پرداخته‌اند.

عاصمه در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی زیورآلات و منسوجات عصر قاجار با کاربرد دعا و طلسم» (۱۳۹۵)، به بررسی زیورآلات و منسوجات عصر قاجار با کاربرد دعا و طلسم پرداخته‌است وی بر این باور تأکید دارد که در ایران روزگار قاجار، گرایش به خرافات و بهره‌گیری از طلسمات و تعویذها گسترده بوده و استفاده از این اشیاء در بطن زندگی تمامی طبقات اجتماعی و حتی درباریان رسوخ داشته و جزء جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی مردم بوده‌است. عزیزی‌فر در مقاله‌ای با عنوان «بررسی طلسم و طلسم‌گشایی در قصه‌های عامیانه فارسی (سمک‌عیار، حسین‌کرد و امیرارسلان)» (۱۳۹۲)، طلسم و طلسم‌گشایی را در قصه‌های عامیانه فارسی مورد بررسی قرار داده‌است. صابری‌افتخاری در مقاله‌ای با عنوان «باور به وجود نیروی فوق طبیعی در اشیاء در فرهنگ عامه مردم ایران (فتیشیزم- شیء‌باوری)» (۱۳۹۱)، به اشیای برخاسته از باورهای جمعی و اعتقادات آیینی- مذهبی فرهنگ عامه پرداخته و گفته‌است که توسل‌جویی به این اشیاء برای رسیدن به نیازها و خواسته‌هایشان بوده‌است.

رحمانیان و حاتمی در مقاله‌ای با عنوان «سحر و جادو، طلسم و تعویذ و دنیای زنان در عصر قاجار» (۱۳۹۱)، به بررسی جایگاه طلسم و تعویذ در زنان عصر

قاجار پرداخته‌اند و گفته‌اند گرچه گرایش به باورهای خرافی عمدتاً زنانه تعریف شده، اما شواهد نشان می‌دهد گرایش به خرافات پدیده‌ای رایج در همه اقشار جامعه سنتی آن دوران بوده و تعریف گرایش زنانه، پیامدهای زیان‌باری چون، پایمال شدن حقوق اجتماعی زنان آن دوران، به همراه داشته‌است.

در میان منابع خارجی توماس کارنی^۱ نیز در پایان‌نامه‌اش تحت عنوان «انضمام خدا- فetišیسم و ساخت اجتماعی اشیاء» (۲۰۲۰)، به بررسی عاملیت اشیاء در چارچوب گفتمان هنر معاصر با نگاه به آن‌ها از دریچه فetišیسم پرداخته و این یافته را مطرح کرده که فetiš به‌طور گسترده برای توصیف یک شیء مادی که دارای مقداری نیرو یا قدرت متمرکز فراتر از مادیت خود است- قدرتی که به نحوی نامتعارف، نابه‌جا یا اغراق‌آمیز استفاده شده‌است. گریبر^۲ نیز در مقاله‌ای با عنوان «فetišیسم به‌عنوان خلاقیت اجتماعی» (۲۰۰۵)، در بررسی خود گفته‌است: قدرت فetiš به‌صورت اجتماعی، وابسته به باورهای خاص است و در لحظه‌ای با آن تعامل برقرار و فعال می‌شود. به این معنا، فetišیسم با در نظر گرفتن اشیاء به‌عنوان عامل، نظریه اجتماعی اشیاء را تشکیل می‌دهد و علاوه بر این، شرایطی را به وجود می‌آورد که در آن اشیاء قادر به تبدیل شدن به موجودات اجتماعی مستقل هستند. این تحقیق نشان داده‌است که فetišیسم^۳ ابزار مفیدی برای درک مفاهیم اجتماعی و مشارکتی اشیاء در چارچوب هنر معاصر فراهم می‌کند. منصور کلاه‌کج و همکاران در پژوهشی به نام «مردم‌نگاری زیورآلات یکصد سال اخیر شوشتر با رویکرد چندفرهنگی» (۱۴۰۳)، گفته‌اند، بافت چندفرهنگی شوشتر و وجود تقاضاهای مختلف، سبب شده تا زیورسازان این شهر اقلام مختلف تزئینی، ملزومات زندگی و نیز اشیاء دوگانه تزئینی و بلاگردان یا دفع شر را بر اساس سلیقه‌های مختلف ساکنانی که جمعیت بیش‌تری در این شهر دارند، به تولید برسانند.

پژوهش‌های پیشین نشان‌دهنده اهمیت نقوش

نمادین، آیینی و اشیایی هست که در برخی موارد کاربرد تزئینی پیدا می‌کنند و در قالب زیورآلات نقش «فetiš» را برای انسان ایفاء کرده‌اند. جنبه‌های نو پژوهش حاضر، بررسی کارکرد زیورآلات منطقه دزفول در جایگاه زیور و نیز دفع بلا یا شر در موضوعی است که تاکنون زیورآلات آن موضوع کار پژوهشگران نبوده‌است.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر با اتکاء به تحقیقات میدانی و مصاحبه و بهره‌گیری از منابع اسنادی و پایگاه‌های اطلاعاتی به شیوه توصیف و تحلیل نشانه‌شناسانه، نتایج ارائه شده‌است. در فرآیند تحقیق میدانی تهیه عکس از زیورآلات و اشیاء علی‌رغم هماهنگی قبلی، به‌سختی ممکن شد و این عدم همکاری بر تهیه عکس با کیفیت از زیورآلات نیز تأثیرگذار بود. نمونه‌های ارائه شده متعلق به یک گالری طلافروشی در دزفول بوده که در گنجینه شخصی آن‌ها نگهداری می‌شود. اجداد مالکان این گالری از چند نسل گذشته به این کار مشغول بوده و تمایل چندانی به آگاهی‌رسانی در این خصوص نداشته‌اند. کاربرد این زیورآلات از دوره قاجار تا دوره پهلوی ادامه داشته و چند نمونه از آن‌ها در موزه حمام کرناسیون دزفول وجود دارد که قاجاری بودن آن‌ها در آن موزه ثبت شده‌است. همچنین در خصوص نمادشناسی و کارکرد نمادین زیورآلات با منابع محلی گفتگو و از اطلاعات آنان بهره‌گیری شد. در مجموع در این پژوهش تعداد ۲۷ عدد از انواع زیورآلات ساخته شده در دزفول انتخاب و تحلیل و تفسیر شده‌است. همان‌گونه که توضیح داده شد، نمونه‌های مورد بررسی غالباً از گنجینه شخصی یک مجموعه‌دار بوده و برخی دیگر به‌صورت پراکنده جمع‌آوری شده‌است، مانند آنچه در مجموعه موزه حمام کرناسیون دزفول بوده‌است. در این فرآیند با افراد مطلع و خبره و مردم قدیمی در خصوص کارکرد برخی از این زیورآلات گفتگوهای انجام شده و روایت غالب مطالب با توجه به داده‌های مختلف به تأیید رسیده‌است.

¹ CARNEY, JOHN MICHAEL THOMAS

² GRAEBER, D

³ FETISHISM

که اعتقاد به آن نزد اقوام بدوی عمومیت دارد.

۳- سحر: سحر عملی است که انسان با تکرار بعضی کلمات یا انجام برخی اعمال، قوای فوق‌العاده جهان را می‌تواند به نفع خود قبضه نماید.

بدویان سه اسلوب یا موضوع را وسیله‌ی تسخیر یا غلبه بر نیروی غیبی می‌دانند: نخست عقیده به فتیش است که عبارت است از استفاده و استمداد از قوه مخفی و پنهان در اشیاء بی‌جان. فتیش‌های طبیعی سنگریزه‌های فرود آمده از آسمان، استخوان‌ها، چوب‌های عجیب و ... که برای شخص صاحب فتیش مفید و برای دشمنانش مضر است. این فتیش‌ها اعم از طبیعی و مصنوعی، دارای یک نوع شخصیت مستقل و صاحب اراده هستند. دومین طریقه سحری است که آن را «شمنیزم»^۸ تعبیر می‌کنند. در این طریق یک نفر، «شمن» دارای قوه تصرف در قوای روحی و غیبی جهان است.

سومین طریقه «سحر عوامانه» است که منحصر به دست کاهن یا ساحر نیست، بلکه در نزد افراد قبیله معمول هست. برای مثال، آداب و اعمالی که برای حاصل‌خیزی زمین بایر یا فرزند آوردن زن عقیم انجام می‌دهند.

۴- تابو^۹: اعتقاد به تابو (عمل حرام) تقریباً در تمام جهان عمومیت دارد.

۵- آنیمیزم^{۱۰}: تمام موجودات اعم از متحرک یا ساکن، مرده یا زنده، دارای روح و روانی هستند که درون آن مخفی هست. نزد اقوام بدوی سراسر عالم طبیعت پر است از موجودات روحی که بر عالم احاطه و تصرف دارند و چون آن‌ها را مرکز نیروی غیبی می‌دانند، تمام سرنوشت خود را به دست آن‌ها سپرده و اعمالی نسبت به آن‌ها به‌جا می‌آورند.

۶- پرستش مظاهر طبیعت

۷- قربانی

۸- احترام به اموات یا پرستش اجداد

۹- اساطیر

۱۰- توتیمیزم^{۱۱} (همان: ۱۱-۲)

یکی دیگر از ویژگی‌های زیورآلات، بهره‌مندی از اشکال و نقوش نمادین است که برای باورمندی این اشیاء به‌کار گرفته می‌شود. این اشکال نمادین نیز از دیدگاه الیاده، بر هستی‌شناسی تکیه دارند و خود نماد می‌تواند چون زبانی باشد که اگرچه مجرد و مفهومی است، اما قابلیت بیان اندیشه‌ای روشن و منسجم درباره هستی و جهان را دارد (الیاده، ۱۳۹۲: ۲۷).

زیورآلات در دوره قاجار

در دوره قاجار، زیورآلات و اشیاء زینتی به‌عنوان نماد زیبایی، قدرت، ثروت و دفع شر و نیز هدیه و ارتباطات استفاده می‌شدند. در این میان، به‌گفته صالح، زیورآلات وابسته به پوشاک مردانه نشانه ثروت و تمول بود (صالح، ۱۳۹۴: ۲۴) عاصمه گفته‌است، روزگار قاجار، گرایش به خرافات و بهره‌گیری از طلسمات و تعویذها گسترده و عمومی بود. به‌طوری‌که در بطن زندگی تمامی طبقات اجتماعی و حتی درباریان رسوخ داشته و جز لاینفک زندگی اجتماعی آن‌ها بوده‌است (عاصمه، ۱۳۹۵: ۱). برخی از این زیورآلات، دست‌بندها و گردن‌بندها بوده که معمولاً از سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی ساخته می‌شدند و مزین به نمادها و نشانه‌های خاصی بودند و اعتقاد بر این بود که قدرت دفع شر دارند. گردن‌آویزها نیز برخی از زیورآلات این دوره بوده‌اند و برخی از انواع آن‌ها برای دفع بدی شر استفاده می‌شد. نگین‌ها و سنگ‌های خاص مانند عقیق، فیروزه و یاقوت به‌عنوان سنگ‌های مقدس و نیز دفع بلا یا اعمال قدرت شناخته می‌شدند. زنجیرها و گوشواره‌ها نیز در برخی از فرهنگ‌ها و مناطق کشور نماد محافظت از افراد در برابر خطرات متصوره بود. در این میان شمع‌ها و گلاب‌دان‌ها به‌عنوان نماد پاکی و دوری از بدی‌ها به‌کار می‌رفتند و در کنار زیورآلات استفاده می‌شدند. کاربرد هر کدام از این موارد، بسته به فرهنگ مکانی بود که آن آیین در آن جریان داشت.

تعاریف مفهومی

با توجه به آنچه گذشت و از آن‌جا که برخی از

⁸ SHAMANISM

⁹ TABU

¹⁰ ANIMISM

¹¹ TOTEMISM

و نادر و امثال آن که از همان دقیقه‌ای که به دست آن‌ها می‌رسد در آن نیروی عظیمی را مخفی می‌دانند که بر آن فرد و دوستانش مفید و سودمند و برای دشمنانش مضر و زیان‌بخش هست و از لحاظ سحری قوای سودمندی را در انواع آن اشیاء جامد و بی‌جان ذخیره می‌دانند که آن‌ها فتیش شمرده می‌شوند، مثلاً شاخ‌گوزن و امثال آن، مخزن قوای عجیبه هست و از این جهت در بسیاری موارد از آن‌ها برای حصول مقاصد ساده و نیازمندی‌های بدوی خود استفاده می‌کنند (قدیانی، ۱۳۸۱: ۳۱).

شیء‌باوری (فتیشیسم) در ایران

در تفکر جامعه کهن ایرانی، هر پدیده‌ای دارای روح بود و مثلاً کلوخ مینوی زمین را در خود داشت. همچنین آن‌ها جاندار انگاری را به اشیاء دست‌ساز خود نیز تعمیم می‌دادند و دست‌ساخته‌های خویش، به‌ویژه اشیای فلزی را دارای روح می‌دانستند و آن‌ها را نیروهای مستقل و فعالی می‌پنداشتند که آدمی می‌توانست به آن‌ها التماس کند تا اثر نیک یا بد بگذارند. بت‌پرستی و توتم باوری و تابو از گونه‌های شیء باوری هستند (صابری‌افتخاری، ۱۳۹۱: ۲).

به گفته، علی‌پورسعدانی، فتیش جزئی از فرهنگ عامه ایرانی است. بر اساس آن چه وی گفته، در ایران، فتیش مورد پرستش قرار نمی‌گیرد، یعنی در میان ایلات، قبایل و عشایر ایرانی، مانند قبایل بدوی افریقا نذر و نیاز و هدایا برده نمی‌شود و این اعتقاد بیشتر ضمنی و ناخودآگاه است. نه تنها خود فتیش بلکه روح و قدرت مخفی و جاری در آن نیز مورد پرستش نیست و بیشتر فایده عملی این اشیاء مدنظر است. البته همین باور و اعتقاد نیز عمومیت ندارد، یعنی ممکن است در میان عشایر و طوایف مختلف (حتی عوام‌ترین آن‌ها) چیزی کمتر از ۵۰٪ افراد به فتیش و قدرت آن ایمان داشته باشند (علی‌پورسعدانی، ۱۳۸۸: ۱۴-۳).

زیورآلات ماهیت فتیش دارند در ادامه به این مفهوم پرداخته می‌شود. واژه فتیشیسم به‌طور گسترده در زمینه‌های مختلف مورداستفاده قرار گرفته‌است. به گفته کارنی (۲۰۲۰) شاید نخستین بار این واژه برای توصیف درهم‌تنیدگی بین افراد و اشیاء، به‌ویژه توسط کارل مارکس^{۱۲} در نظریه‌های خود پیرامون فتیشیسم کالایی یا توسط زیگموند فروید^{۱۳} به‌عنوان ابزاری برای توصیف فتیشیسم جنسی مطرح شد؛ که مورد آخر احتمالاً متداول‌ترین تعریفی است که از این اصطلاح استفاده می‌شود؛ اما نیکولاس بوریو^{۱۴}، فتیشیسم را به‌عنوان وسیله‌ای برای درک هر دو امر اجتماعی و مفاهیم مشترک اشیاء در زمینه هنر معاصر مطرح می‌کند و کارکرد اجتماعی ابژه فتیش را مدنظر قرار می‌دهد که می‌تواند درگیری اجتماعی انسان با فضاها و اشیاء مقدس را در برگیرد (John. M. T. Careny, 2020: 2). هنگامی که ابژه به فتیش تبدیل شود با ارزش تلقی می‌شود و فتیش را فراتر از عینیت و محدودیت‌های مادی به سمت شریاطی که در آن موجودی مستقل و قادر به عاملیت است، ارتقاء می‌دهد. به گفته صابری‌افتخاری، شیء‌پرستی، شیء‌باوری یا فتیشیسم^{۱۵} به مفهوم اعتقاد و باور به وجود نیروی فوق‌طبیعی در برخی اشیاء طبیعی (موجود در طبیعت) و مصنوع (دست‌ساخت انسان) است. پرتغالی‌ها لغت فتیش را که در زبان پرتغالی به معنای «طلسم و تعویذ» است به آن اشیاء دادند و عقاید و آداب مرتبط با فتیش‌ها را «فتیشیسم» نامیدند (صابری‌افتخاری، ۱۳۹۱: ۲).

به گفته «قدیانی» فتیش عبارت است از استفاده و استمداد از قوه مخفی و مستور در اشیاء بی‌جان، به عبارت دیگر نسبت به اشیایی خاص قبایل بدوی احترام و تقدیس قائل می‌شوند و آن‌ها را فتیش‌های طبیعی از آن جهت می‌گویند که دارای شکل و صورت خاصی هستند، مانند سنگ‌ریزه‌ها و قلوه‌های عجیب یا اجزای ساقطه از آسمان، استخوان‌ها، چوب‌های عجیب

12 KARL HEINRICH MARX(1818-1883)

13 SIGMUND FREUD

14 NICOLAS BOURRIAUD (1965)

15 FETISHISM

فلزات در شیء باوری

قدرت فوق طبیعی آهن و دیگر فلزات از گذشته‌های دور برای دور کردن ارواح خبیث وجود داشته‌است. بر اساس یافته‌های باستان‌شناسان، ابتدا مس و آهن، عاج و عقیق، بعد طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی دیگر وسیله زینت شد و دین و خرافات نقش مهمی در نسبت دادن ویژگی‌های جادویی، به این فلزات و جواهرات، به‌عنوان نمادی از باورهای باستانی و اثربخشی جادویی، ایفاء کردند (Sathyanarayan, M. & Bais, M., 2018).

به‌گفته صابری‌افتخاری (۱۳۹۱) واژه‌ی روئین‌تن از شیء باوری فلزات برجای مانده‌است. در واقع فلز به‌عنوان یک کشف نو، قداست خاصی در ادیان و اساطیر دارد و با توجه به استحکام و ویژگی‌های فلز کاربرد بسیاری در ساخت طلسم و تعویذ داشته‌است. افتخاری به نقل از درویشی می‌گوید: از روزگاران کهن این باور وجود داشته‌است که شیاطین، ارواح خبیث و نیروهای مرموز با شنیدن صدای فلزات، واکنش می‌دهند و دور می‌شوند (صابری‌افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۸ و ۲۲). جادوگران نیز معتقد بودند که فلزات ارواح خبیثه را دور می‌کنند و به همین دلیل سنجاق به لباس خود می‌زدند یا زیر بالش هنگام خواب چاقو می‌گذاشتند؛ در کل هر شیئی که تیز و از جنس فلز باشد را مدافع در برابر انرژی‌های بد ارواح می‌دانستند. نقره یکی از فلزاتی است که در ساخت طلسم‌ها و زیورآلات با کارکرد شیء باوری نقش به‌سزایی داشته‌است. به‌گفته‌ی جواهریان (۱۴۰۰)، ساخت زنگوله‌ها برای پای زنان و کودکان که در گویش محلی دزفول «میل‌پا» نام دارند شواهدی بر باور طرد شدن شیاطین و ارواح خبیثه از افراد است. بازوبند فلزی نیز چنین کارکردی داشته‌است. سکه‌های فلزی از دیگر عناصر شیء باورانه است. (جواهریان، در گفتگوی با نگارندگان، شهریور، ۱۴۰۰)، وی همچنین گفته‌است، در فرهنگ عشایری، زنان از سکه‌های فلزی برای دور کردن نیروهای شر و دفع چشم‌شور استفاده می‌کردند. استفاده از سکه فلزی در گردن‌بندها، سربندها، گیره‌سرها و دیگر زیورآلات با تزئین سکه، در زیورآلات

زنان ایلیاتی به‌علت باور به نیروی فوق‌العاده آن‌ها بوده‌است. زنان عشایر برای مصون ماندن فرزندان‌شان از چشم‌زخم لباس کودکان را با سکه می‌آراستند (همان).

تحلیل دیداری اشیاء تزئینی دزفول

مانند سایر مناطق ایران، زیورآلات قاجاری در دزفول، نه تنها جنبه‌های زیبایی داشتند، بلکه کاربردهای اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و نیز به منظور هدیه و تبادل فرهنگ و سنت نیز کارکرد داشتند. این زیورآلات شامل گردن‌بندها، دست‌بندها، گوشواره‌ها و زیورآلات پوشاک بودند که انواع طلا آن بیشتر نشانه ثروت، تجمل، زیبایی و به‌عنوان پشتوانه ثروت، نیز مطرح بوده‌است، اما برخی از انواع نقره آن به‌عنوان شیء مقدس بلاگردان یا دارای نیروی خاص استفاده می‌شده‌است. به‌گفته جواهریان، دست‌سازهای طلای و نقره دزفول در دوران قاجار متأثر از باورهای عامیانه و فرهنگ آن روزگار است. زیورسازان منطقه به خواست سفارش‌دهنده، آثاری با مضمون اعتقادی فرد خلق می‌کردند. علاوه بر زیور و تزئین، ساخت فتیش در حرفه زیورسازی دزفول رونق داشته‌است. برخی از زیورآلات با کارکرد شیء باوری این منطقه عبارتند از: پابند، آویز فولاد با تزئینات نقره و طلا یا قاب نقره، برای نگهداری تعویذ، گوشواره طلا و نقره و اشیایی که صرفاً با کارکرد طلسم ساخته می‌شدند. همچنین طلسم‌های نقره که جنبه زینتی نداشته و در زیر لباس پنهان می‌شدند از این دسته بوده‌اند. دسته‌ای دیگر از اشیاء تزئینی شامل گیره‌سر، سرقلیان، سرخودکار، قاب شانه، پایه لیوان یا جام، دکمه نقره یا طلا مردانه و ... هستند (جواهریان، در گفتگوی با نگارندگان، شهریور، ۱۴۰۰)، که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود. نقوش به‌کاررفته در این زیورآلات، نقوش گیاهی، جانوری و انتزاعی است و نمادهایی، چون: هلال‌ماه، سرو، خورشید در آن‌ها دیده می‌شود (جواهریان، در گفتگوی با نگارندگان، شهریور، ۱۴۰۰).

پابند (میل‌پا)

میل‌پا نقره‌ای بچه‌گانه با تزئینات مهره آبی (تصویر ۱) برای دفع چشم‌زخم است. در این شیء توپک‌های

به علت سنگینی، کارکرد درمانی داشته و برای جلوگیری از نواقص پا در هنگام راه رفتن بوده است. (جواهریان، در گفتگوی با نگارندگان، شهریور، ۱۴۰۰)، این شیء به عنوان زیور نیز کاربرد داشته است.



تصویر ۲- پابند نقره (میل پا)، از آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)

وَقْ، (نوعی جن) کودک را مورد آزار قرار ندهد (کوچک دزفولی در گفتگوی با نگارندگان، ۱۴۰۰). در تصویر (۴) یکی از انواع گردن بند که نوعی آویز فولاد است، دیده می شود. این آویز، به صورت یک استوانه یا میله چندضلعی توخالی ساخته می شده تا تعویذ در مرکز آن قرار گیرد. بر زنجیر آن، نماد بته جقه یا سرو مانند به شکل آویزهای کوچک در اطراف آن دیده می شوند.



تصویر ۴- گردن بند نقره با آویز فولاد برای قرار گرفتن تعویذ و دعا، از آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)

توخالی که صدا تولید می کنند برای دور کردن نیروهای شر و مهره چشم زخم دیده می شود. مهره های آبی رنگ و دست ساز که در گویش محلی «لِسبک» گفته می شوند، هم جنبه شیء باوری به گفته جواهریان (۱۴۰۰) در افراد بزرگسال استفاده میل پا (تصویر ۲)



تصویر ۱- پابند کودک (میل زنگل) با تزئین خرمهره، از آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)

آویز فولاد

آویز فولاد (تصویر ۳) برای قرار گرفتن تعویذ و دعا به کار می رود به گفته «کوچک دزفولی» این آویز در باور عامه برای دور کردن، آل از زن زائو و نوزادش و حفظ نوزاد تا زمان تولد کاربرد داشته است. یکی دیگر از باورهای مردم این منطقه در مورد فلز فولاد این بوده، که شبها یک بسته نمک، اسپند و زغال به همراه خرمهره و کارد فولاد، زیر سر نوزاد قرار می دادند که



تصویر ۳- آویز فولاد با تزئین طلا و فیروزه، از آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)

گردن‌بند

به‌گفته جواهریان گردن‌بندهای طلا و نقره با کارکرد شیء‌باوری با تزیینات سکه و سنگ فیروزه و نقوش طلسم‌گونه از فتیش‌های زیورسازی هستند. گردن‌بندهای نقره با سکه‌های تزیینی و نقوش طلسم در سکه مرکزی (تصاویر ۵، ۶ و ۷) کارکرد فتیش دارند، اما گردن‌بند طلا که در گویش محلی «فُکُل» نام دارد. گردن‌بندی با تزیینات سکه و سنگ فیروزه و در برخی مواقع از یاقوت است که جنبه تزیینی دارد. (جواهریان، در گفتگوی با نگارندگان، شهریور، ۱۴۰۰، نمونه دیگر گردن‌بندهایی هستند که کارکرد شیء‌باوری در آن‌ها غالب است. تصویر (۸)، گردن‌بندی با تزیینات سکه و سنگ فیروزه و در برخی مواقع از یاقوت است که جنبه تزیینی دارد؛ اما سکه‌ها و سنگ فیروزه کارکرد فتیش را نیز دارند (همان). صابری‌افتخاری به نقل از کسرین^{۱۶} می‌گوید: سکه‌های تیز از دیگر اشیاء فلزی هستند که مردم برای آن‌ها

نیرویی مافوق طبیعی قائلند. در جامعه روستایی و عشایری ایل قشقایی، زنان سکه‌های فلزی را برای دور کردن ارواح شیطانی و دفع شر، چشم‌شور استفاده می‌کنند. به این منظور گردن‌بندها و سربندهایی را می‌سازند و سر و گردن خویش را با آن‌ها زینت می‌دهند و نیز به نقل از مورتسن^{۱۷} می‌گوید: زنان عشایر لر، بنا بر باورهای دیرینه خود، برای مصون نگه داشتن فرزندان خویش از چشم‌زخم و ارواح شر لباس‌های آن‌ها را با سکه‌های فلزی می‌آرایند (صابری‌افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۳). در تصویر (۹)، نماد صورتک شبیه تصاویر قبایل بدوی افریقایی و سرخ پوستی است. در تصویر (۱۰) نیز، نقوش طلسم‌گونه به‌کاررفته است. گردن‌بند را می‌توان از پرشمارترین و پرتعدادترین انواع طلسم و تعویذ به‌حساب آورد چرا که پنهان کردن شیئی کوچک در زیر لباس کار چندان سختی نیست.



تصویر ۶- گردن‌بند نقره با تزیینات سکه و واژه علی، از آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)



تصویر ۵- گردن‌بند نقره مزین با نقوش گیاهی و سکه و نوشته‌های دعا، از آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)



تصویر ۸- گردن‌بند طلا اصیل دزفول (فُکُل) با تزیینات سکه، فیروزه و یاقوت از آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)



تصویر ۷- گردن‌بند نقره با نقوش طلسم و تعویذ با قاب مجرایی شکل و تزیینات گیاهی و نقش ماه از آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)

¹⁶ KASRAIAN
¹⁷ MORTENSEN



تصویر ۱۰- نقوش طلسم و تعویذ محرابی شکل در گردن‌بند جزئیات تصویر ۸. منبع: (نگارندگان)



تصویر ۹- نقش صورتک نمادین در آویز وسط گردن‌بند جزئیات تصویر ۸. منبع: (نگارندگان)

دست‌بند

طلای این دست‌بند، کارکرد سرمایه‌ای نیز داشته‌است. تصویر (۱۴)، نیز دست‌بند طلا با ترکیب سکه است. این شیء در باور عامیانه برای دفع نیروی شر و نیز افزایش قدرت فرد دارنده کاربرد داشته‌است. تصویر (۱۵)، دست‌بند میله‌ای است که به صورت سه‌تایی استفاده می‌شدند. این تصویر‌کننده کاری هندسی دارد. در این زیورآلات نقش‌مایه‌های هندسی مانند خط‌های موازی، هاشور یا مارپیچ و اریب دیده می‌شود. طاهری و همتی در این خصوص گفته‌اند: که نقش‌مایه‌های هندسی بیش از آن که بیانگر مفهومی اساطیری باشند، برای آذین به‌کاررفته‌اند (طاهری و همتی، ۱۳۹۲: ۱۳).

از انواع دست‌بندهای تزئینی که هم‌زمان کارکرد شیء‌باوری نیز دارند، چندین نمونه در زیورآلات منطقه دزفول دیده شده‌است. دست‌بند بچه‌گانه که در گویش محلی «پشت دَسک» گفته می‌شود با تزئین فیروزه است که بر روی پلاک این شیء نوشته‌های «ماشالله» و «ان‌یکاد» حکاکی شده‌است (تصویر ۱۱). این دست‌بند امروزه نیز در فرهنگ‌عامه برای دفع چشم‌زخم از کودک به‌کار می‌رود. تصویر (۱۲)، دست‌بندی نقره، با سنگ فیروزه‌ای است و کارکرد تزئینی و دفع شر دارد تصویر (۱۳)، دست‌بند سکه‌ای تزئینی نیز نوعی دست‌بند است که وجود سکه در آن دلیلی بر کارکرد شیء‌باورانه آن است. ضمن این‌که



تصویر ۱۲- دست‌بند با سنگ فیروزه، از آرشو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)



تصویر ۱۱- دست‌بند پشت‌دستی (پشت دسک) طلا با تزئینات فیروزه و یاقوت و ماشالله از آرشو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)



تصویر ۱۴- دست‌بند سکه‌ای طلا از آرشیو شخصی جواهریان.
 منبع: (نگارندگان)



تصویر ۱۳- دست‌بند سکه‌ای طلا از زیورآلات یک زن دزفولی
 آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)



تصویر ۱۶- جزئیات تصویر ۱۵. منبع: (نگارندگان)



تصویر ۱۵- دست‌بند با نقوش انتزاعی و طلسم‌گونه از آرشیو شخصی
 جواهریان. منبع: (نگارندگان)

طلسم‌ها

طلسم‌ها اشیایی هستند که تنها با هدف انجام سحر و جادو ساخته می‌شده‌اند و غالباً در زیر لباس پنهان می‌شده‌اند، به همین دلیل جنبه تزئینی آن‌ها چندان مورد توجه سازنده نبوده‌است. به گفته محمودی و همکاران، خاصیت بسیاری از اشیای طلسمی و تعویذی در جلب خیر و دفع شر- که کارکردی کارگشا و بلاگردان دارد- جایگاه خاصی را برای این اشیاء در زندگی مردم رقم زده‌است. در فرهنگ عامیانه مردم ایران، پس از دوره صفوی و در دوره قاجار، مفاهیم اسلامی- شیعی جایگاه خاصی در عرصه فرهنگ عمومی پیدا کرده و همراه با عناصر فرهنگ ایرانی، از عناصر پربرسامد در طراحی اشیای طلسمی و تعویذی بوده‌اند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰). یکی از نمونه طلسم‌ها، طلسم مهر و محبت است. در باور عامه این طلسم تعویذی برای ایجاد محبت بین زوجین نقش می‌شده و پشت آن نیز دعایی حکاکتی

شده‌است تصاویر (۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰). نمونه دیگر، تعویذ نقره ۴۰ محمد است که برای جلوگیری از سقط‌جنین کاربرد داشته‌است. در این فیتیش ۴۰ بار کلمه محمد حکاکتی است و یک کلمه الله در مرکز تعویذ دیده می‌شود تصویر (۲۱). طلسم با حروف گونه‌ای دیگر از بلاگردان‌ها است تصویر (۲۲). به گفته محمودی و همکاران، حروف و اعداد کدهای فرهنگی هستند که بر روی تعداد زیادی از بازبندها و طلسم‌های دوره قاجار دیده شده و شامل چهار بخش کلی است: ۱. اسماء الهی، ۲. آیات قرآنی، ۳. اسامی اهل بیت، ۴. دعای نادعلی. از بین این کدها، کاربرد اسماء الهی و برخی از آیات قرآنی از جمله آیه «ان‌یکاد» بیش از دیگر کدهاست. رمز نگاره‌ها از دیگر مضامین رایج هستند که در چهار وجه نمود یافته‌اند: ۱. اسم اعظم، ۲. اعداد، ۳. حروف، ۴. مربعات جادویی. از بین این رمز نگاره‌ها، اعداد و مربعات جادویی کاربرد گسترده‌تری دارند. مقایسه مضامین رایج، نشان از

به کمر زن باردار بسته می‌شد و تا زمان زایمان قفل بسته می‌ماند. هنگام وضع حمل، کلید آن قفل توسط دعانویس برای باز کردن قفل استفاده می‌شد. هر یک از این زیورات و طلسم‌ها نشان از قدرت فیتیش‌ها در فرهنگ عامه و تجلی امر قدسی و بلاگردان در حیات انسانی بوده‌است.

گسترده‌گی کاربرد کُدهای فرهنگی، در مقایسه با سایر موارد دارد (همان: ۴۷).

یکی دیگر از باورهای عامیانه محلی استفاده از قفل فلزی به‌عنوان طلسم بوده‌است که برای جلوگیری از سقط‌های مکرر، دعانویس بر روی قفل کوچکی به‌صورت شفاهی، دعا می‌خواند و قفل را با نوار سیاهی



تصویر ۱۸- دعا و تعویذ، از آرشیو شخصی جواهریان.
منبع: (نگارندگان)



تصویر ۱۷- طلسم محبت زن و شوهر، از آرشیو شخصی جواهریان.
منبع: (نگارندگان)



تصویر ۲۰- طلسم، از آرشیو شخصی جواهریان.
منبع: (نگارندگان)



تصویر ۱۹- طلسم، از آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)



تصویر ۲۱- دعا ۴۰ محمد، حک شده بر فلز نقره از آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)



تصویر ۲۲- طلسم حروف ابجد، از آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)

گوشواره

گوشواره یکی از زیورآلات پرکاربرد در فرهنگ‌های مختلف است که اغلب با شکل کلی دایره ساخته می‌شده‌است. به‌گفته شوالیه و گربران، این باور دیرین که فضاهای دایره‌ای و حلقه‌ای حافظ هر آن چیزی است که در درون حلقه جای دارد، سبب کاربرد دایره‌های حمایت‌گر به اشکال مختلفی همچون: تاج، کمربند، حلقه، انگشتر، یاره، گوشواره و بازوبند شده است (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ۱۷۴). تصویر (۲۳) گوشواره نقره مانند با تزیین پرنده (خروس) و نقوش هندسی، همراه با سنگ فیروزه دیده می‌شود. طاهری به نقل از «گریشمن» گفته‌است، خروس نشانه «ایزد سروش» در دین ایرانی است. یکی از وظایف او این است که با صدای خود پرستندگان را بیدار کند تا به ادای تشریفات دینی بپردازند (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۳ به نقل از گریشمن).



تصویر ۲۳- گوشواره نقره با تزیینات فیروزه و نقش خروس از آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)

در گذشته این گوشواره از جنس طلا نیز ساخته می‌شده‌است که نمونه طلای آن در دست نیست.

بازوبند (میل‌کو)

در تصویر (۲۴) بازوبند یا در گویش محلی «میل‌کو» دیده می‌شود؛ که با نقوش هندسی، نمادین و طلسم‌گونه تزیین شده و نماد شیر و خورشید به صورت بدوی بر آن حک شده‌است. در داخل و بیرون این بازوبند نیز اشکال هندسی با کارکرد تعویذ و طلسم به چشم می‌خورد. به‌گفته محمودی و همکاران، بازوبندها برای مقاصد و اهداف متفاوتی همچون حفاظت از بلا، غلبه بر دشمن، کسب متاع و لذات دنیوی، عشق، باروری و نیک‌فرجامی کاربرد داشته‌اند. بسیاری از تصاویر رایج در بازوبندها در این دوره شکل نمادین دارند. این نمادها اغلب در شکل‌های جانوری و اساطیری نمود یافته‌اند. بیشترین نوع کاربرد به نمادهای جانوری و به‌خصوص نقش شیر به‌عنوان نماد حضرت علی (ع)، مربوط می‌شود. نقش شیر و خورشید نیز به‌عنوان یک نقش ملی، مذهبی از دیگر نقوش پربسامد در بازوبندهای دوره قاجار است (محمودی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۶). در جدول (۱) عناصر شیء‌باوری در نقوش زیورآلات سنتی دزفول بررسی و در جدول (۲) ارائه شده‌است.


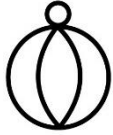



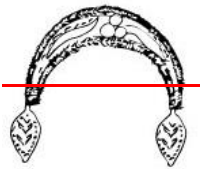











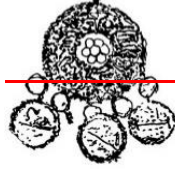



تصویر ۲۵- جزئیات تصویر پیشین



تصویر ۲۴- بازوبند (میل کو) با نقوش هندسی و انتزاعی، از آرشیو شخصی جواهریان. منبع: (نگارندگان)

جدول ۱- بررسی عناصر شیء باوری در نقوش زیورآلات سنتی دزفول. منبع: (نگارندگان)

ردیف	نماد	اجرای خطی آثار	معنای نماد	دسته بندی نمادین اشیاء
۱			<p>دفع آسیب های ناشی از چشم زخم که از اعتقاد بر وجود نیروی شر در چشم برخی افراد سرچشمه می گیرد (تعویذ)</p>	نماد نیماهای
۲			شیر و خورشید (شیر نماد شیعی و برگرفته از طبیعت و شیر و خورشید نماد ملی و نجومی)	نماد شمالی برگرفته از طبیعت
			بالا نقشی قرن هفتمی از کتاب الموالید که شبیه نقش روی این بازو بند است. پایین نقش بخش داخل بازوبند	
		ماه (نمادهای کهن ایران)		
	انداز حدو ۴ * ۸ سانتی متر، جنس نقره			

حروف و اعداد / نمادهای نمادین	<p>حرز یا دفع نیروی شر (اسم اعظم، آیات قرآنی، اسامی اهل بیت (ع)، حروف ایجد، اعداد)</p>		 <p>اندازه حدود ۳ * ۴ سانتی متر، جنس نقره</p>	۳
			 <p>اندازه حدود ۳ * ۴ سانتی متر، جنس نقره</p>	
اشکال انسانی / نمایهای و نمادین	<p>ایجاد عشق میان همسران (ادعیه و آیات قرآن به همراه تصویر زن و مرد)</p>		 <p>اندازه حدود ۵*۵ سانتی متر، جنس نقره</p>	۴
			 <p>اندازه حدود ۵*۵ سانتی متر، جنس نقره</p>	
	<p>ایجاد عشق (نماد نور و الوهیت و وحدانیت)</p>		 <p>اندازه حدود ۶*۶ سانتی متر، جنس نقره</p>	۵
			 <p>اندازه حدود ۶*۶ سانتی متر، جنس نقره</p>	

جدول ۲- کارکرد سه‌گانه زیورآلات. منبع: (نگارندگان)

کارکرد سه‌گانه			نام شیء
کارکرد سرمایه‌ای	طلسم و تعویض و دفع شر	کارکرد تزئینی	
	*	*	میل‌پا
		*	آویز فولاد
*	*	*	گردنبند
*	*	*	دست‌بند
	*	*	طلسم‌ها
*	*	*	گوشواره
	*	*	بازوبند

بحث پیش از نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت، زیورآلات منطقه دزفول که برخی از آن‌ها با دیگر مناطق کشور مشترک‌اند، در مجموع دارای پنج کارکرد اصلی؛ تزئینی، طلسم و تعویذ، سرمایه‌ای، ارتباطی یا اهدایی و درمانی بوده‌اند. بیشتر این زیورآلات از جنس نقره ساخته می‌شده‌اند و کارکردهای دفع شر، چشم‌زخم و بلاگردانی آن‌ها کم‌اهمیت‌تر از جنبه تزئینی‌شان نبوده‌است. برای نمونه، پابند یا میل‌پای نقره‌ای علاوه بر زیبایی، به دلیل اعتقاد به تأثیر درمانی آن در ایجاد تعادل هنگام راه‌رفتن مورد استفاده قرار می‌گرفته و نوع کودکان آن با ایجاد صدا خاصیت بلاگردانی نیز داشته‌است. آویز فولاد با طراحی لوله‌مانند، محفظه‌ای برای نگهداری دعا بوده و در کنار نقش تزئینی، کارکرد طلسم و محافظت نیز داشته‌است.

در میان گردنبندها، گردن‌بند نقره‌ای دارای سکه، سنگ فیروزه و نقوش طلسم‌گونه، به‌عنوان طلسم استفاده می‌شده و سکه‌های آویزان به آن از اشیایی بوده‌اند که برایشان نیرویی مافوق طبیعی قائل بوده‌اند؛ همان نیرویی که در متن از آن با عنوان «مانا» یاد شده‌است. دست‌بندها، علاوه بر جنبه تزئینی و ارزش مادی، در برخی انواع همچون «پشت‌دسک» (به زبان محلی) برای چشم‌زخم و بلاگردانی به‌کار می‌رفته‌اند. طلسم‌ها، که معمولاً زیر لباس پنهان می‌شده‌اند، علاوه

بر زیبایی، به‌منظور بهره‌گیری از نیروی ماورایی مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. گوشواره‌های نقره‌ای با تزئین فیروزه و آویز حلقه‌ای، کارکردی نمادین داشته‌اند و حلقه، نمادی از محافظت و حمایت از دارنده گوشواره به‌شمار می‌آمده‌است.

بازوبندهایی با نقوش هندسی، طلسم‌گونه و نشانه‌هایی چون شیر و خورشید که نمادهای ملی و نجومی محسوب می‌شده‌اند، دارای کارکردهای طلسم، تعویذ و دفع‌بلا بوده‌اند. نمادهای مربوط به دفع شر، ترکیبی از اعداد، اشیای دعا، آیات و نشانه‌های ناشناس بوده‌اند. همچنین عناصری از نور، الوهیت و وحدانیت، مانند آن‌چه در طلسم محبت زن و شوهر به‌کار می‌رفته، در برخی تزئینات دیده می‌شود. اشکال انسانی، حیوانی، گیاهی و سایر نمادهای طبیعی و شمایی نیز بخشی از عناصر تزئینی و نمادین این زیورآلات را تشکیل می‌داده‌اند.

با توجه به مبانی نظری و آنچه به نقل از ژان بودریار درباره اشیاء و مصرف نمادین مطرح شده‌است، اشیاء می‌توانند معانی، ارزش‌ها و احساسات افراد را منتقل کنند. بر این اساس، شیء در جایگاه محافظ شخص، به وی اعتماد به‌نفس می‌بخشد و با انتقال انرژی روانی، اراده فرد را تقویت کرده و مسیر زندگی را با اطمینان بیشتری برای او هموار می‌سازد. به‌عنوان مثال، اشیای بلاگردان می‌توانند نمادهایی از امید، قدرت و محافظت

در برابر خطرات طبیعی یا اجتماعی تلقی شوند. بر مبنای این دیدگاه و باورهای عامه که ریشه در ترس انسان از نیروهای ناشناخته دارد، می‌توان گفت که اشیاء، هنوز هم در میان برخی افراد، کارکردهای چندگانه از جمله نیروی ماورایی، دفع بلا و قدرت‌بخشی خود را حفظ کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

زیورآلات سنتی دزفول اقلامی چون میل‌پا (پابند)، آویز فولاد، گردن‌بند، گوشواره، بازوبند (میل‌کو)، طلسم و تعویذ هستند. برخی از این زیورآلات در گذشته از فلزاتی مانند طلا، نقره و آهن یا فولاد ساخته می‌شده‌اند و سنگ‌هایی چون یاقوت، فیروزه و عقیق نیز در آن‌ها به‌کارگرفته شده‌است. شواهد حاکی از آن است که در انتخاب جنس این زیورآلات نیز باورهای آیینی نقش بسیار مهمی داشته‌اند. در این زیورآلات فلز آهن و نقره بیشترین کاربرد را در ساخت اشیاء باورمند داشته و استفاده از طلا عمدتاً زینتی بوده‌است. در میان سنگ‌ها نیز فیروزه به‌منظور دفع چشم‌زخم، بیشترین استفاده را داشته و کارکرد آن تعویذ بوده‌است. در میان اشکال مختلف زیورآلات، اشکال حلقوی و دایره‌ای بیشترین کاربرد را در ساخت دست‌بند، آویز گردن‌بند، گوشواره، پابند و بازوبند داشته و یادآور قدرت محافظت‌کنندگی حلقه و دایره در آیین‌های بدوی است. در خصوص نمادهای به‌کاررفته در این زیورآلات می‌توان به نمادهای برگرفته از طبیعت مانند خورشید، ماه، شیر و شیروخورشید اشاره کرد. نماد خورشید با کاربرد آیینی کهن خود بیشترین کاربرد را دارد و به معانی برخاسته از آن گرمابخشی و زندگی‌بخشی بوده و در طلسم‌های به‌منظور افزودن عشق در میان همسران مورد استفاده قرار گرفته‌است. نماد شیر بر اساس باور شیعی به‌عنوان نماد حضرت علی (ع) و نماد شیر و خورشید به‌عنوان نماد ملی به‌کاربرده شده‌است. نمادهایی مانند چشم نیز کارکرد تعویذ داشته‌اند. غیر از نقوش نمادین اعداد و حروف نیز با کارکرد حرز یا دفع نیروی شر (اسم اعظم، آیات قرآنی، اسامی اهل‌بیت (ع)، حروف ابجد و اعداد)، کاربرد فراوان داشته‌اند. از میان ادعیه دعای

نادعلی و آن‌یکاد بیشترین تکرار را دارند. همچنین استفاده از سکه و عناصری که صدا تولید می‌کنند، یکی دیگر از مواردی است که برای دفع نیروهای شر مورد استفاده قرار می‌گرفته‌است.

در مجموع بخش زیادی از زیورآلات دوره قاجار منطقه دزفول، اشیایی است که در ورای استفاده از آن باوری نهفته بوده‌است. دفع آسیب‌های ناشی از چشم‌زخم که از اعتقاد بر وجود نیروی شر نشأت می‌گرفت و تحکیم عشق بین همسران و دور کردن عناصر شوم از زندگی و مانند آن مفاهیم متصوره از این اشیاء بود. در باور عامه مردم این اشیاء جایگاه فیتیش داشته و با توجه جنبه آیینی و اعتقادی آن‌ها، کارکرد زینتی این اشیاء ثانوی و در درجه دوم اهمیت قرار داشته‌است.

نمونه‌های بررسی شده عمدتاً کارکردی چون شئی مقدس و سحرآمیز داشته و عموماً در این زیورآلات علاوه بر کارکرد تزئینی‌گونه‌ای کارکرد حفاظتی و همراه با آرامش روان برای استفاده کننده داشته‌است. نمونه شیء مقدس؛ گردن‌بندهای محتوی دعا و آیات بوده و نمونه سحرآمیز و دارای خاصیت جادویی، آن بازوبندها و میل‌پا بوده‌است. همچنین در برخی از این زیورآلات مشابه نقوش کتب علوم غریبه قرن هفتم است و به نظر می‌رسد این نقوش ادامه دهنده سنت علوم غریبه سده‌های پیشین ایرانی است.

با توجه به نظریه اشیاء و مصرف نمادین، اشیاء نه‌تنها ابزارهای فیزیکی، بلکه حامل مفاهیم و ارزش‌ها هستند. آن‌ها به افراد هویت، اعتمادبه‌نفس و احساس امنیت می‌دهند. اشیایی مانند طلسم‌ها یا زیورآلات محافظ، از دید مردم نمادهایی از قدرت، امید و حفاظت در برابر خطرات تلقی می‌شوند. زیورآلات سنتی در این مطالعه، فراتر از عناصر زیبایی‌شناسانه، دارای ابعاد پیچیده‌ای از باور، کارکرد و معنا بوده‌اند. این اشیاء نقش مهمی در زندگی روزمره، جهان‌بینی و روابط اجتماعی افراد دارند و هم‌چنان در لایه‌هایی از فرهنگ عامه پابرجا هستند. تداوم این کارکردها، بازتابی از نیاز انسان به معنا، حفاظت، هویت و قدرت در برابر ناشناخته‌هایی است که علی‌رغم بیکرانگی دانش بشری، هم‌چنان مبهم، مرموز و پیچیده‌اند.

منابع

- الیاده، میرچا (۱۳۷۲)، *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
- الیاده، میرچا (۱۳۹۲)، *نمادپردازی، امر قدسی و هنرها*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: نیلوفر.
- جواهریان، رضا (۱۴۰۰)، *طلاساز دزفولی، مصاحبه میدانی درباره شیوه ساخت زیورآلات و توضیح باورهای عامیانه در مورد طلسم‌ها*.
- رحمانیان، داریوش؛ حاتمی، زهرا (۱۳۹۱)، *سحر و جادو، طلسم و تعویذ و دنیای زنان در عصر قاجار، جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۳، شماره (۲)، ۲۷-۴۴*.
- شوالیه، ژان؛ گریبان، آلن (۱۳۷۹) *فرهنگ نمادها*، جلد ۱، مترجم سودابه فضائلی، تهران: جیحون.
- صابری‌افتخاری، عارفه (۱۳۹۱)، *باور به وجود نیروی فوق طبیعی در اشیاء در فرهنگ عامه مردم ایران (فتیشیزم- شیء‌باوری)*، *نامه انسان‌شناسی*، (۱۰) ۱۷، ۸۷-۱۱۳.
- صالح، الهه (۱۳۹۴)، *بررسی زیورآلات وابسته به پوشاک مردان در عهد قاجار، پیکره*، (۸) ۴، ۲۴-۳۵.
- طاهری، صدرالدین؛ همتی، آنینا (۱۳۹۲)، *گونه‌شناسی و نمادشناسی زیورهای لرستان در دوران مفرغ و آهن، نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*، (۴) ۱۸، ۵-۱۴.
- عاصمه، فاطمه (۱۳۹۵)، *بررسی زیورآلات و منسوجات عصر قاجار با کاربرد دعا و طلسم (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد رشته)، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء کشور ایران*.
- عزیزی‌فر، امیرعباس (۱۳۹۲)، *بررسی طلسم و طلسم‌گشایی در قصه‌های عامیانه فارسی (سمک‌عیار، حسین کرد و امیرارسلان)*، *متن‌شناسی ادب فارسی*، (۵) ۱، ۸۳-۱۰۰.
- علی‌پورسعدانی، رضا؛ شیخ‌زاده، مرجان (۱۳۸۸)، *اشیاء جادویی در فرهنگ عامه ایران و تأثیر آن در نقاشی مکتب سقاخانه، باغ نظر*، (۶) ۱۱، ۵۳-۶۸.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۱)، *تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، تهران: فرهنگ مکتوب*.
- کلاه‌کج، منصور؛ صدیر، معصومه؛ راستی، زهرا (۱۴۰۳)، *مردم‌نگاری زیورآلات یکصد سال اخیر شوشتر با رویکرد چندفرهنگی، هنرهای صناعی ایران*، (۷) ۱، ۵-۲۴.
- کوچک‌دزفولی، هما (۱۴۰۰)، *مصاحبه میدانی درباره باورهای عامیانه زنان منطقه*.
- محمودی، سکینه‌خاتون؛ احمدپناه، سیدابوتراب؛ خزایی، محمد (۱۳۹۸)، *بازوبندهایی از جنس حرز و آرزو (پیوست‌های صوری و فرهنگی بازوبندهای دوره‌ی قاجار)*، *فرهنگ و ادبیات عامه*، (۷) ۲۶، ۱۹-۵۱.
- یعقوب‌زاده، آزاده؛ خزائی، محمد (۱۳۹۸)، *نقش‌مایه‌های طلسم تعویذ و حرز (مطالعه موردی: دست بافته‌های عشایر لر بختیاری)*، *فصلنامه هنر و تمدن شرق*، (۷) ۲۵، ۴۳-۵۴.

References

- Baudrillard, J. (1998), *The Consumer Society: Myths and Structures*, Sage Publications.
- Carney, J. M. T. (2020), *Concretizing God: Fetishism and the social construction of objects* (Master's thesis, Manchester Metropolitan University), Manchester Metropolitan University.
- Graeber, D. (2005), *Fetishism as social creativity: Or, fetishes are gods in the process of construction*. *Anthropological Theory*, 5(4), 407-438.
- Sathyanarayan, M., & Bais, M. (2018), *Indian marital jewellery and symbolism: Contextual manifestations*, *SAARC Culture*, (49).
- Yothers, W., & Gangadharan, R. (2020), *Narration on ethnic jewellery of Kerala: Focusing on design, inspiration and morphology of motifs*, *Journal of Textile Engineering & Fashion Technology*, 6 (6), 267-274.